

عید کرسمس یا عید میلاد مسیح

حسینی حسنیار شغنانی

۲۱ قوس ۱۳۹۰



آیا واقعا حضرت عیسی در ۲۵ ماه دسامبر تولد یافته؟

دنیای مسیحیت را عقیده بر آن است که حضرت عیسی در ۲۵ دسامبر از باکرهء بنام مریم بدنیا آمد، و همه ساله ۲۵ این ماه را به عنوان روز تولد پیامبرشان جشن میگیرند. برخی از دانشمندان لائیک (بی دین) یهود، مسلمان و حتی مسیحی درباره این روز بدیده اغماض و شک نگریسته و معتقد اند که این روز فرضی و زاد خیال متفکران مسیحی است، یا ساخته و پرداخته کسانی است که اناجیل چهار گانه را سالها بعد از به صلیب کشیدن حضرت عیسی نوشتند. از سخنان دانشمندان استفاده میشود، کتابیکه اکنون بنام انجیل در بین مسیحیان معروف است، مسیحیان اولیه یا صدر نوشته ای را به این نام نمی شناختند. به عباره دیگر اناجیل چهارگانه بعدها نوشته شده اند.

ویل دورانت (1885 – 1981 م) میگوید: نویسندگانیکه قبل از اواخر قرن اول میلادی زندگی میکردند از عهد جدید اصلا چیزی نقل نمیکند، تمام مطالبی که آنها نقل میکنند بر میگردد به عهد قدیم. ما در هیچ جا نامی از انجیل مسیحی تا پیش از ۱۵۰ میلادی نمی یابیم، اما در کتاب پیپاس Papias که در سال ۱۳۵ میلادی نوشته شده است. او در آن کتاب مینویسد: یوحنا بزرگ انجیل خود را از روی یاد داشتهای پطروس که به وی نقل کرده، ترتیب نموده است. (قصه الحضاره ج ۱۱ صفحه ۲۰۷ و سیر تاریخ تمدن ج ۹ ص ۱۷۵)

آقای کلنل انگرسل دانشمند انگلیسی کتابی را تحت عنوان عهد قدیم و جدید را چه کسی نوشته، نوشته بود که گلدستون (1809 – 1898 م) وزیر خارجه انگلستان زیاد تلاش میکرد تا از چاپ این کتاب جلوگیری کند ولی موفق نشد، آخر کتاب توفیق چاپ را یافت.

ایشان مینویسند: دانشمندان مسیحی تصدیق میکنند که خود آنها نویسنده این چهار انجیل (متی، مارکوس، لوقا و یوحنا) میباشند. میبایست آن انجیلها بزبان عبرانی میباشند، یک نسخه هم بزبان عبرانی یافت نشد آنچه که است بزبان یونانی است. اولین نامیکه از انجیل برده شده ۱۸۰ سال پس از حضرت عیسی بوده است. (سیر تاریخ تمدن ج ۹ ص ۲۷۴)

چند نفر از دانشمندان ادوارد تیماس Edward Themas، خولیا کمال الدین Khwalia Kamalodin و ت. و دوان T.W. Dawan معتقدات و تعلیمات مسیحیان را با آئینهای دیگر مقایسه کرده شباهتهای زیادی را بین آنها یافته اند که اینک به اختصار روی برخی از آنها مکت میشود.

ولادت بودا در تاریخ ۲۵ دسامبر واقع شد- همچنان عیسی نیز در ۲۵ دسامبر تولد یافت.

بودا مدت ۴۵ روز قبل از دعوت خود روزه گرفت چنانچه عیسی نیز مدت ۴۰ روز قبل از آغاز دعوت روزه دار بود. هنگامیکه بودا میخواست کار دعوت را آغاز کند مار (شیطان) بر وی ظاهر شد و چندین بار میخواست فریبش دهد، چنانچه بر عیسی نیز شیطان چندین بار ظاهر گشت و میخواست او را از کار دعوت باز دارد. شیطان به بودا گفت دست از کار دعوت بردار ترا امپراتور جهان میکنم، شیطان به عیسی نیز گفت اگر حرف مرا گوش کنی ترا پادشاه تمام دنیا میکنم.

بودا سخنان شیطان را گوش ندادن فریاد زد دور شو از من، همچنان عیسی نیز فریاد زد و گفت ای شیطان از من دور شو. تا هنگامیکه بودائیان بنام بودا نماز بگذارند ایشان را به بهشت میبرد، مادامیکه نماز عیسویان بنام عیسی باشد آنها را به بهشت میبرد.

بودا پس از اتمام دعوت به آسمان رفت - عیسی هم بعد از اتمام دعوت به آسمان رفت. بودا آمده بود تا گناهان مردم را به عهده گرفته آنها را به آرامش برساند. عیسی هم آمده بود نفس خود را فدا کرد تا بشر را از گناه پاک سازد.

بودا بر پیروان خود توصیه میکرد دوستی و محبت کنید حتی با دشمنان. عیسی به شاگردانش گفت دشمنانتان را دوست بدارید.

بودا میخواست چیزی را بنام ملکوت آسمانی ایجاد کند، عیسی هم مردم را بسوی ملکوت آسمانی دعوت میکرد.

مزید برین دانشمندان شباهتهای زیادی بین اعتقادات بت پرستان بابل که معتقد بودند بت بعل خدای ایشان است و عیسویان که میگویند حضرت عیسی فرزند خدا است یافته اند که ازین قرار اند:

1. بعل را اسیر گرفتند، حضرت عیسی نیز اسیر گشت.
2. محاکمه بعل علنی بود چنانچه محاکمه حضرت عیسی نیز علنی صورت گرفت.
3. بعد از محاکمه هر دو بعل و عیسی را زده اهانت کردند.
4. برای اجرای حکم اعدام هر دو را بکوه بردند.
5. همراه با بعل گناهکار دیگر را نیز محکوم به اعدام کردند، هنگام اعدام عیسی گناهکار دیگر را نیز محکوم به اعدام کردند.
6. هر سال رسم بود گناهکار محکوم به اعدامی را میخشدند، آنسال مردم اعدام بعل و بخشش آن گناهکار دیگر را خواستند، در مورد حضرت عیسی نیز چنین شد، مردم بخشش آن گناهکار دیگر و اعدام عیسی تقاضا کردند.
7. زنده شدن و بیرون آمدن هر دو بعل و عیسی در فصل بهار صورت گرفت.
8. بعل پس از زنده شدن به آسمان رفت، عیسی نیز پس از زنده شدن به آسمان رفت.

چنانچه از مفاد انجیل‌های سه گانه (متی - مرکس - لوقا) بر می آید حضرت عیسی خود را مانند دیگران فرزند انسان میدانست که از طرف خدا مانند سایر پیغمبران نهضت نموده تا خرافات کهن و بت پرستان را که در دیانت حضرت موسی وارد شده است بیرون کند.

آنحضرت با اینکه خود را انسان و فرستاده خدا میدانست هیچگونه مقام و شخصیت که او را از دیگران برتر و بالاتر کند برای خود قائل نبود. با رفتار خاص و عمل بی آرایش که داشت عملاً درس یگانگی را به پیروانش آموخت، برای خود هیچگونه امتیازی روا ندانست. رجوع شود به انجیل: « شخصی از اشراف یهود از عیسی پرسید: ای استاد نیکو، من برای بدست آوردن حیات جاویدان چه باید بکنم؟ عیسی به وی فرمود. چرا مرا نیکو میخوانی؟ هیچکس جز خدا نیکو نیست.» (انجیل متی ۱۹ / ۱۶ - ۱۷ و مرکوس ۱۰ / ۱۷ - ۱۸)

حضرت از پسر انسان بودن خود خطاب به شاگردان چنین خبر میدهد: « خوشا بحال شما هرگاه بخاطر پسر انسان مردم از شما روی گردانند و شما را از بین خود بیرون کنند و به شما اهانت کنند و یا به شما بد گویند.» (انجیل متی ۵ / ۱ - ۱۲)
اینکه امروز چیزهای انحرافی و گزافه گوییهای غیر لازم در دیانت مسیح رخنه کرده و آنرا تحت الشعاع قرار داده اند، برخی از مورخان و دانشمندان مسیحی درین باره ابراز نظرهای کرده اند، آنها ورود افکار فلاسفه بخرنج و خارج از فهم ساختن دیانت ساده حضرت عیسی را به اشخاص زیر وابسته میدانند:

1. پولس - شاول طرسوسی نگارنده بخش عمده عهد جدید که حالا مدرک عمده مسیحیت جهان به حساب می آید.
2. یوحنا - نویسنده انجیل چهارم از جمله چهار انجیل که از شاگردان مدرسه اسکندریه و پیرو عقیده افلاطونی جدید و معتقد به لوگوس Logos واسطه بین خدا و بشر و اینکه او نخستین مخلوق ازلی است بوده است و انجیل خویش را پس از اینکه افکار فلسفی بین مسیحیان شایع بوده نگاشته است.
3. پیشوایان صدر اول که آنها را بنام اباء اولین apologists نامند.

نظریات برخی از دانشمندان و مورخان مسیحی

لیون جوتیه میگوید: مسیحیت از آراء و افکار فلسفه یونانی سرچشمه گرفته است. لاهوت مسیحیت از همان جائیکه فلسفه افلاطونی گرفته شده اقتباس شده است. (المدخل لدراسه الفلسفه الاسلامیه صفحه ۹۳)

کالتوف Kalthoff در کتاب خویش تحت عنوان Der Badikalism U.S. pid میگوید: سیمای مسیح با تمام خصوصیاتش پیش از آنکه یک سطری از انجیلها نوشته شود آماده شده بود. (مقارنه ادیان صفحه ۱۰۷)

میلر H.D.Milir: باید دقت کرد که عیسی خود را نه از ناحیه حس جسمی و از ناحیه تفکیر عقلی (روحی) خدا نخوانده است. او فقط از ناحیه جنبه عمومی که (از خدا پیدا شده) همه مردم را به منزلیه فرزند و پرورش یافته پدر همه (خدا) میدانند و درین جهت که همه به او محتاج اند و همه به او اعتماد دارند خود را فرزند و خدا را پدر خوانده است. (تاریخ کلیسای قدیم)

تولستو Tolosta میگوید: کلمه فرزند خدا را کلیسای مسیحیت تنها به عیسی مسیح اطلاق کرد و لقب مخصوص ایشان میداند. و حاضر نیست به مردم دیگر چنین لقبی را نسبت دهد و آنها را فرزند خدا بنامد. با اینکه این لقب در حقیقت لقب تمام بشر است و اختصاص به کسی ندارد. و این موضوع به نظرمانند آفتاب نیمه روز (الشمس من الظهر) روشن است و در خیلی از جاهای انجیل به آن تصریح شده است از جمله آنها (از زبان عیسی) در انجیل متی ۵ / ۱۶ اینگونه آمده است: تقدیس کنید پدرتان را که در آسمانهاست و باز میگوید ۵ / ۴۵ تا فرزندان پدرتان باشید که در آسمانهاست ... و باز هم (متی ۱ / ۶) و گرنه شما پیش پدرتان که در آسمانهاست اجری نخواهید داشت . . . و متی ۴۸/۵ و ۶/۶ و ۳۶ / ۶) (مقدمه انجیل تولستو صفحه ۲۵).

مقایسه مسیحیت و مهرپرستی

مهرپرستی یا آیین مهر یا میترائیسم، آیینی رازآمیز بود که بر پایه پرستش مهر (میترا) یکی از ایزدان اقوام آریایی و خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ، در دوران پیش از آیین زرتشت بنیان نهاده شد.

این آیین بعدها در اثر علل نامعلوم برای ما دگرگون شده و به سرزمینهای امپراطوری روم برده شد و در طول سده‌های دوم و سوم پس از میلاد، در تمام نواحی تحت فرمانروایی روم، در سرزمین اصلی اروپا، شمال آفریقا و بریتانیا برپا بود. بعد از آنکه آیین مسیحیت توسط کنستانتین یکم (272 – 337 میلادی) در اروپا بحیث دین رسمی پذیرفته شد، مهرپرستی تنزل نمود. تنزل مهرپرستی بخود خود صورت نگرفت، فرمانروایان روم و بعدا کلیسا در مسیحیت تعصب زیاد بخرج داده، به اکراه و با توسل به زور مسیحیت را بر مردم تحمیل نمودند. هرچند مهرپرستی جای خود را به مسیحیت داد ولی بر مکتب جدیدالتاسیس مسیحیت تاثیرات چشمگیر را برجای گذاشت. مهرپرستان اروپا در مقابل مسیحیت خصومتی نداشتند، این کلیسا بود که پیروان میترا (مهرپرستان) را به الحاد و جادوگری متهم نمود. مسیحیت میترائیسم را ناگزیر نمود تا باب خصومت و رقابت حکمرانی بر دنیای غرب را باز نمایند. کلیسا و رهبران مسیحیت یگانه رقیبی را که در مقابل مسیحیت تصور میکردند و حق بجانب هم بودند، آیین مهر بود. رنان ارنست (1823 – 1892 م) فیلسوف فرانسوی در کتاب "مبداء مسیحیت" (1882 م) نوشت: " یگانه چیزیکه سد راه پیشرفت مسیحیت میتوانست شود، دنیای میترائیسم بود ". هرچند میترائیسم سالها بود که در از اروپا رخت بر بسته بود، و تعلیمات آن به اسارت ارباب کلیسا افتاد، باز هم تعلیمات اندکی از میترائیسم تا آن زمان وجود داشت. خبرگان اروپا نمخواستند آنرا انکار نمایند.

در قرن نوزده میلادی میترائیسم بار دیگر در محراق توجه مورخان و خاورشناسان قرار گرفت. در اواخر قرن 19 میلادی فرانتس کومون (1860 – 1947 م) باستان شناس مشهور بلژیکی بعد از مدتها پژوهش در عرصه میترائیسم، در ترکیه و سوریه کتیبه‌های بسیار و بناهای تاریخی که زمانی معابد مهرپرستی بودند، مورد مطالعه قرار داد. بعدها پس از اکتشافات بسیار دیگر در سرزمین‌های متعلق به روم باستان با استفاده از روشهای حفاری و بازسازی مدرن در سال ۱۹۵۴ م (پایتخت روم باستان) را به خاطر اکتشافات فراوان آثار میتراپی و مهرابه‌ها، در محوطه داخل و اطراف شهر، پایتخت میترائیسم نامید، و انبوه این اکتشافات، بر اهمیت درک رابطه بین آیین میترائیسم و مسیحیت افزود.

کومون و پژوهشگران هم عقیده او شباهتهای زیادی بین میترائیسم و مسیحیت یافتند که ازین قرار اند:

- ✓ تثلیث در هر دو آیین وجود دارد.
- ✓ مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو مذهب مشترک میباشد.
- ✓ افروختن شمع در کلیساها، پیروان مهر (میتر) نیز در مغاره ها (معابد) خود شمع روشن میکردند.
- ✓ نواختن ناقوس، در مهرابه های مهرپرستان نیز علایمی دیده شده که دلالت بر نواختن ناقوس میکند.
- ✓ وجود حوضچه آب مقدس در ورودی کلیساها و سرود دسته‌جمعی به همراه نواختن موسیقی از شباهت‌های مراسم میتراییسم و مسیحیت هستند.
- ✓ مراسم‌شام آخر (عشاء ربانی یا اوکاریست) و صرف نان و شراب در دو آیین مشترک است.
- ✓ دوازده مقام میترایی و دوازده فلک یاور میتر) به حواریون دوازده‌گانه عیسی تغییر یافتند.
- ✓ روز یکشنبه (مهرشید در فارسی) یعنی روز خورشید (sun day) چنانکه از نام آن پیداست- روز ویژه مهرپرستان بود که در مسیحیت نیز به همین شکل است.
- ✓ رهبانیت و ریاضت در آیین میتر) وجود داشت و به مسیحیت نیز راه یافت .
- ✓ مسیح و مهر هر دو در رستاخیز ظهور نموده و اعمال انسان‌ها را داوری می‌کنند.
- ✓ اعتقاد به روح، جاودانگی و قیامت از موارد مشترک بوده، همانگونه که مهر میانجی میان خداوند و بشر است، مسیح نیز واسطه خدا و انسان است؛ گفته می‌شود نشان هلال ماه بالای هفت شاخه شمعدان در برخی از کلیساها موید این نظر است، از آنرو که ماه در آیین میتر) نقش نمادین مهمی دارد.
- ✓ مقام هفتم از آیین میتر) مقام پدر پدران است که به دین مسیح راه یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدر پدران نام گرفتند.
- ✓ مهر در برج حمل، بره به دوش دارد و عیسی نیز بره‌ای در آغوش گرفته‌است.
- ✓ سرانجام روز تولد مهر یا "خورشید شکست ناپذیر" همان روز انقلاب زمستانی در روم، ۲۵ دسامبر بود که در سده چهارم میلادی روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس شهرت یافت.